

با اینکه سیرتکوینی جامعه‌شناسی و بررسی در تحولات نظری و تجربی این رشته موضوع مقاله‌ها و کتب متعددی در زبانهای خارجی بوده است، ولی مدارک موجود در این زمینه به زبان فارسی بسیار محدود است. با توجه به این کمبود مقاله حاضر که به نحوی اجمالی اصول عقاید جامعه‌شناسان را از زمان "سن سیمون" تا عصر حاضر مورد بررسی قرار داده است می‌تواند بسیار سودمند باشد. این مقاله که توسط "ژان کازنوو" (J. Cazeneuve) استاد دانشگاه پاریس (و همکارانش) نوشته شده است، (۱) پس از مروری اجمالی در گرایشهای کلاسیک و معاصر جامعه‌شناسی، یکی از زمینه‌های فکری کنونی یعنی جامعه‌شناسی تجربی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ترجمه و اقتباس این متن از زبان فرانسه به فارسی توسط آقای "دکتر باقر ساروخانی" دانشیار دانشگاه تهران صورت گرفته است.

\* \* \*

### جامعه‌شناسی، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامعه‌شناسی چیست؟ جامعه‌شناسی مطالعهٔ جوامع یا پدیده‌های اجتماعی است. این پاسخ مهم و یا دست کم فاقد اندیشهٔ تازه و بدیع است. لیکن، هر تعریف از جامعه‌شناسی که در جهت تحدید موضوع و تشریح دقیق آن ارائه شود، حتی چنانچه پاسخگوی نظر بسیاری از جامعه‌شناسان نیز گردد، باز هم آماج انتقاد خواهد بود. حتی اگر بپذیریم - آنچنانکه همه پذیرفته‌اند - که جامعه‌شناسی علم است به محض آنکه از این قبول عام فراتر رویم اختلاف آغاز می‌شود؛ بعضی آنرا علمی همچون علوم طبیعی می‌خوانند، بعضی دیگر با الهام از نظرات "ماکس وبر" عقیده‌ای جز این دارند (۲). این

مشکل، در آغاز ممکن است هم شاگردان جامعه شناسی را ناخوشایند جلوه نماید و هم در نظر آنانی که از دور به این علم می‌نگرند، آنرا فاقد ارزش و اهمیت نمایند. لیک چنین نباید باشد، زیرا همهٔ علوم انسانی از این مشکل در رنج‌اند، مشکلی که کوشش و تلاش آن‌را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌سازد و در عین حال نشان دهندهٔ ارزش تردید ناپذیر آن‌انست.

گذشته از این، اختلاف نظر در تعریف جامعه شناسی هیچگاه مانع از این نبوده است که این علم پیشرفتهای انکارناپذیری نماید و نتایج قابل توجهی ارائه دهد. نتایجی که خود هیچگاه قطعی و بی‌نیاز از هر نوع بحث و اظهار نظر نیستند. بعنوان مثال، روانشناسی نیز در چنین شرایطی است. بنابراین، نباید از سخن جامعه شناسی که کار دیگری را غیر علمی می‌خواند و دیگریا دیگرانیکه با خود او چنین می‌کنند، تعجب کرد. تعدد عقاید و اختلاف آنان در متن این علم نوشته است. در واقع، جامعه شناسی به تدریج تولد یافته است و تعریف آن نیز از خلال پیشرفت‌ها و برخورد مستمر آراء در بین صاحب نظران آن بتدریج بیرون می‌آید. بنابراین، مطالعه جامعه شناسی، و تحقیق و بررسی علمی و عمیق در این قلمرو، باید با شناخت تاریخ این علم آغاز گردد و از مطالعه آن‌ار پیشینیان مبداء گیرد.

بنظر آنانیکه چندی نیست بدین علم روی آورده‌اند، باز پیمودن راهی که گذشتگان آن‌را در نور دیده‌اند، عبث می‌نماید، همچنانکه بازخوانی متونی که به گذشته‌ها تعلق دارد بی‌فایده بنظر می‌رسد، لیک بدلالی که قبلاً "برشمر دم، حال و آینده" جامعه‌شناسی به گذشته آن وابسته است، و علاوه بر این، بررسی‌های تاریخی ما را از تکرار اشتباهاتیکه قبلاً صورت یافته است، باز می‌دارد. همچنانکه بما می‌آموزد که بسیاری از روشها و نتایج قبلاً توسط پیشینیان بزرگ ما کشف گردیده و بدست آمده‌اند. بدین ترتیب، مطالعه متون مهم جامعه شناسی که هر یک سهمی در بنای این علم داشته‌اند بر همهٔ کسانیکه در این ره گام می‌گذارند اجتناب ناپذیر است.

### تاریخ جامعه شناسی

بنظور شناخت مبداء افکار اجتماعی، بی‌شک باید به گذشته‌های دور نظر کرد. از بین قدیمی‌ترین صاحب نظران، می‌توان "افلاطون"، "ارسطو"، "سنن اگوستین" (Saint Augustin)، "سنن توماس" (Saint Thomas)، "ابن خلدون" (۳) و "ماکاول" (۴)، "هابس" (۵)، "لاک" (۶)، "بوسوئه" (Bossuet)، "روسو" (۷)، "کدرسه" (Condorcet)، "کتله" (Quetelet)، "مونتسکیو" (۸) و بسیاری دیگر را نام برد.

که به مسائل جامعه‌انسانی خواه از دیدگاه تاریخ یا فلسفه تاریخ، و خواه از نظر گاه‌های فلسفی، سیاسی، قضائی و اقتصادی نگریسته‌اند.

کسانی را که از جمله پایه‌گذاران جامعه‌شناسی می‌خوانند، عبارتند از "سن‌سیمون" (۹) که بنظر "دورکیم" (۱۰) اولین کسی بوده است که جوامع انسانی را همچون واقعیتی خاص و متمایز از دیگر وقایع در نظر آورده است. بعد از آن، باید از "اگوست کنت" (August Comte) سخن گفت (۱۸۵۷-۱۷۹۳) که کلمه "جامعه‌شناسی" را ابداع کرد تا علمی واقعی را پایه‌گذارد که بنظر وی مطالعه‌اشباتی مجموعه قوانین اساسی و خاص پدیده‌های اجتماعی است. علاوه بر این باید از "کارل مارکس" (Karl Marx) یاد کرد (۱۸۸۳-۱۸۱۸). او با نشان دادن اهمیت کشمکش طبقاتی در تطور جوامع و با تأکید بر این نکته که هر امر اجتماعی کلی خاص را تشکیل می‌دهد و همواره چیزی فراتر از اجزاء دارد و در عین حال، با روشن ساختن فعل و انفعال بین زیر ساخت (مخصوصاً "شرایط اقتصادی) و عوامل رو ساختی (با تأکید بر ایدئولوژی) چشم اندازهای تازه‌ای برای علم گشود. این بینشها مبداء تحقیقات نوینی در کشورهای سوسیالیستی گردیده‌اند که صرفاً "با مطالعه آثار "مارکس" قابل تفهیم خواهند بود. برنامه این سه تن باید نام "الکسیس دو توکویل" (۱۱) که در جامعه‌شناسی سیاسی به کار پرداخت و "فردریک لویله (F. Le play)، ۱۸۸۲-۱۸۰۶) را افزود.

بعد از پایه‌گذاران، باید از دو مولف یاد کرد که جامعه‌شناسی را بعنوان علمی خاص و مستقل در بین سایر علوم منزلت بخشیدند. این دو، یکی "هربرت اسپنسر" (۱۲) (۱۹۰۳-۱۸۲۰) و دیگری "امیل دورکیم" است. نفاول اصول تبیین جامعه‌شناسی را بیش از اندازه با اصول تطور آمیخت (مخصوصاً "در کتابش "اصول جامعه‌شناسی"). اما ناشر او هنوز هم بطور ضمنی در جامعه‌شناسی معاصر احساس می‌شود و دیگری، یعنی "دورکیم" بی شک اولین الگوی مطالعات جامعه‌شناسی را بصورتی علمی عرضه کرد. هم او بود که این رشته از علوم را قوامی خاص بخشید و راه‌هایی نو بر آن گشود. امروزه، بهیچوجه قابل تصور نیست که تحقیقی اساسی آغاز نمائیم، بدون آنکه قبلاً "آثار برجسته" این مولف را نظیر "قواعد روش جامعه‌شناسی"، مطالعه کرده باشیم. این کتاب، از بسیاری جهات، مرجع برجسته این علم جدید است. بدون شک، فصولی از آن، حاوی عقایدی است که قابل بحث و امان نظریه‌تری هستند و در این میان، می‌توان از نظر دورکیم در مورد تطور سطحی و ظاهری جامعه که در این کتاب بدان اشارت می‌ورزد یاد کرد، یا آنکه امور اجتماعی عادی و غیر عادی را از دیدگاه وی به بحث و انتقاد کشانید. گذشته از این، بعضی از بیانات دورکیم نظیر این جمله که "باید امور اجتماعی را همچون اشیاء

مورد بررسی قرارداد" به تفاسیری سخت انتقادآمیز دامن زده‌اند. با اینهمه، در این امر، اهمیتی که نویسنده بر عینیت و تحلیل امور اجتماعی با علل اجتماعی و مخصوصاً تأکیدی که بر روشهای گونه‌شناختی (با تمام احتیاطی که در این جهت باید رعایت کرد) قائل می‌شود، قابل ستایش است.

در کتاب "در تقسیم کار اجتماعی" خود به اعمال بعضی از روشهایی می‌پرداخت که در کتاب پیشین عنوان کرده بود و در آن مسائلی را طرح می‌کرد که جامعه‌شناسی همواره با آن روبرو است. از آنجمله، مسئله پیوند متقابل اجتماعی در انواع جوامع را باید نام برد. در این اثر، مفاهیمی بدیع نظیر ناهنجاری (Anomie) عنوان شد که بعدها اهمیتی شایان توجه بخود گرفتند. بی‌شبهه، باید "خودکشی" را اثری دانست که در آن "دورکیم" نحوی مطلوب بردوفایده، روشهای تخریبی متکی بر آمار و همچنین اهمیت داده‌های کمی و کیفی را در روشن ساختن پیوند متقابل پدیده‌های اجتماعی و در جهت تجسس علل با استفاده از مجموعه‌های سنجیده نظری روشن ساخته است. بعدها، افرادی نظیر "هالیواکس" توانستند با ایجاد تغییراتی حزبی روش "دورکیم" را در استخراج و تحلیل داده‌های مربوطه خودکشی کامل تر نمایند. لیکن، نباید فراموش کرد که اثر "دورکیم" که خود برجسته و قابل توجه است، مخصوصاً "زمانیکه با اثر "هالیواکس" در همین زمینه همراه می‌گردد، جالب تر و مفیدتر می‌نماید. آخرین اثر بزرگ "دورکیم" "صور اولیه، زندگی دینی" است. در این اثر، "دورکیم" را شاید بیش از آنچه باید متوجه به مکتب اصالت تطور (Evolutionisme) می‌بینیم و در آن بیش از اندازه بر جامعه‌شناسی در برابر دیگر علوم انسانی تأکید می‌ورزد. اما در همین اثر است که وی استفاده از اسناد و مدارک مردم‌شناسی را در جامعه‌شناسی باب می‌سازد و امروزه با توجه به چنین آثاری می‌پذیریم که شاخه مردم‌شناسی بر جامعه‌شناسی ضروری است، زیرا بررسی شرایط دیگر جوامع بشری بر وی اجتناب ناپذیر است.

جامعه‌شناسی بعنوان یکی از مهمترین علوم انسانی به تنها از طریق افکار "دورکیم" قوام یافت، بلکه گروهی محقق و دانشمند برگرد اوجم شدند و بسهم خود این علم را رونق بخشیدند. حاصل کار این گروه "سالنامه جامعه‌شناسی" است که در سراسر جهان رجحان مکتب جامعه‌شناسی فرانسه را به ثبوت رسانید. هر چند این مکتب را نباید با نام "دورکیم" همراه ساخت، لیک محققینی نظیر "لوسین لوی بروول" (Levy. Bruhl)، (۱۹۳۹-۱۸۵۷) علی‌رغم احساس تعلق به این مکتب با قبول تأثیر اساسی و اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی بر ارزشها و تفکرات اخلاقی یا بر مظاهر و آثار فعالیت‌های جمعی، و همچنین باید بر این امر که اساد و آثار مردم‌شناسی باید در جامعه‌شناسی به کار آیند، در بعضی جهات از جمله گرایش "دورکیم" به مکتب

اصالت عقل (Rationalisme)، از وی فاصله می‌گرفت. اوشیوه، اندیشهٔ افراد جوامع ابتدائی را از دیدگاه خود غیر عقلانی و در حالتی ماقبل منطق می‌داند، در صورتیکه "دورکیم" در تفکراسانها در جوامع ابتدائی اصول اولیهٔ تفکر عقلانی را سراغ می‌گرفت، که بسطروی این مابنی بتدریج و با رشد جامعه بدون وقعه و با تعبیر ماهیت رشد می‌یابند. امروزه آثار "لوی برول"، بیش از آنکه به جهت محتوای نظری آن (که خود نویسنده در آخرین سالهای زندگی بدان شک کرد) مورد توجه قرار گیرد، مخصوصاً "از آن جهت شناخته و پذیرفته است که حاوی اسناد و مدارک وسیعی است و در آن نویسنده چهره‌های گوناگون فرهنگهای بشری را نشان می‌دهد و خطری را که از یکسان پنداری تمامی آنان و تحمیل الگوهای یکی بر دیگران بر می‌خیزد، مطرح می‌سازد.

"ژرژ دیوی" (G. Davy) (متولد سال ۱۸۸۳) با قبول دقت علمی مکتب "دورکیم"، آنرا از افراط در قبول اهمیتی بیش از اندازه بر جامعه شناسی بازداشت. وی نشان داد که تفکر علمی و تفکر مذهبی، هیچیک محصول وجدان جمع نیستند ولذا نباید یکی از آنان را حاصل دیگری دانست. بنظر او، جامعه شناس باید همبستگی‌هایی را بجوید که نظور نهادها (Institutions) را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، با مطالعهٔ عادات مربوط به "پوتلاچ" (Potlatch) (در کتابش "ایمان سخت") در بین سرخ پوستان نشان می‌دهد که چگونه مفهوم قرارداد، از روابطی که صورت قانونی و سخت یافته‌اند بر می‌خیزد. او در کتاب دیگرش "از کلان تا امپراطوری" با همکاری "مورت" (Moret) نشان می‌دهد که چگونه مفهوم قدرت در خلال نهادهای توتمی در استرالیا و "پوتلاچ" تجلی می‌یابد. قدرت، بزم وی، ابتدا بصورتی مبهم در کلان بروز می‌کند و سپس بصورت متمرکز بعدها در اختیار "رئیس" قرار می‌گیرد.

از خلال آثار دیگر شاگرد اس مکتب یعنی "مارسل موس" (M. Mauss) جامعه شناسی راه بسوی انسان شناسی و مخصوصاً مکتب اصالت ساخت می‌گشاید. نوشته‌های "موس" بعدها توسط "کلود لوی اشتروس" (C. Levi-Strauss) جمع گردیده و تحت عنوان "جامعه شناسی و انسان شناسی" یا مقدمه‌ای از "اشتروس" منتشر شد و مهمترین این آثار "رساله‌ای در مورد بخشش" است. وی با مطالعهٔ "پوتلاچ" و پدیده‌هایی از این قبیل، نشان می‌دهد قواعد مبادله که خود نشان دهندهٔ ساخت هر جامعه است قبل از همه انتقال متقابل نمادها (Symboles) بین انسانهاست و این نهادها می‌توانند تار و پود پدیده‌های مربوطه از دواج را با پدیده‌های اقتصادی، زبانی و مذهب پیوند دهند. از جانب دیگر، "موس" با پیوستن پدیده‌های روانی نام و پدیده‌های اجتماعی نام و با مطالعهٔ ناشر اجتماع پذیری انسان حتی بر امور ناآگاه و حرکات خود بخود،

اب تازه‌ای بر پژوهش‌های اجتماعی گشود که صاحب‌نظران مکتب اصالت فرهنگ، بعدها از آن استفاده کردند. او در خلال تمامی آثارش کوشید تا تماس خود را با واقعیت‌های عینی محفوظ دارد.

در تکمیل فهرست اسامی شاگردان "دورکیم"، باید نام‌های دیگری افزود. از میان آنان، مخصوصاً "بایداز" بولگه (C. Bouglé) (مولف اثری در زمینه "کاستها در هند)، "فوکونه" (P. Fauconnet) با رساله‌اش در زمینه "مسئولیت"، "سیمیانند" (F. Simiand) متخصص در جامعه‌شناسی اقتصادی، "لوی برول" (جامعه‌شناس فضائی)، "مارسل گرانه" (M. Granet) که آثارش در زمینه "جامعه‌شناسی چین معروف است، "ژرنه" (L. Gernet) بمناسبت مطالعاتش در جامعه "یونان، و "هالباواکس" (مولف چندین اثر در زمینه "طبقات اجتماعی، حافظه جمعی و خودکشی) یاد کرد.

در همین دوران که در فرانسه جامعه‌شناسی مکتب "دورکیم" درخشش می‌گرفت، در کشورهای دیگر نیز زمینه‌های تازه‌ای گشوده می‌شد که خود به گسترش جامعه‌شناسی انجامید. یادآوری نام همه کسانی که در این کشورها به گسترش جامعه‌شناسی کمک کردند ممکن نیست، لیک در این جا فقط به ذکر نام آنان می‌پردازیم که در تحول این علم گام‌هایی بلند برداشتند و مطالعه آثار آنان بر محقق ضروریست. در اجرای این منظور، باید به آثار "فردیناند تونیس" (F. Tonnies)، "ماکس وبر"، "ماکس شلر" (M. Scheler) در آلمان، "پارتسو" (۱۲) در ایتالیا، و "مالینوسکی" (B. Malinowski) در کشورهای انگلوساکسن اشاره کرد.

"تونیس" (۱۹۳۵-۱۸۵۵) بنیان‌گذار جامعه‌شناسی خاصی، متمایز از جامعه‌شناسی عمومی است که در آن بین دو نوع روابط اجتماعی تمایز برقرار می‌شود: روابطی که او "جمعی" می‌خواند و صرفاً "بر اساس مصالح و منافع افراد بوجود می‌آیند و روابطی که طبیعی هستند و تمامی وجود یک انسان را در بر می‌گیرد و وی آنانرا "روابط اجتماعی" می‌نامد. تضاد بین جامعه (Societe) و اجتماع (Communaute)، بعدها دیگر نویسندگان رانیز بخود متوجه ساخت. از آنجمله، "ماکس وبر" بدان‌رو آورد و نظریه‌ای کلی در مورد آن ابراز داشت. این مفاهیم به‌گشایش زمینه‌های تازه‌ای در جامعه‌شناسی مدد رسانیدند.

"ماکس وبر" بنیان‌گذار "جامعه‌شناسی تفهیمی" است. بنظر وی علوم انسانی دارای رسالتی واحدند و روش‌های علوم طبیعی عیناً "در مورد آنان قابل اعمال نیستند. بنابراین، جامعه‌شناس نباید در صدد تبیین پدیده‌های اجتماعی بمنظور بازبایی علل و قوانین کلی برآید. عمل اجتماعی را باید فهمید، یعنی به درک معنای آن نایل آمد. این معنا بصورتی عینی و قابل قبول برای همگان تعریف‌شدنی نیست و باید آنرا در رابطه

با موضوعش درک کرد. بنظرویش روش اصلی در جامعه‌شناسی، تعیین "انواع ایده‌آل" است. انواع ایده‌آل انعکاسی مورتجربی نیستند. نوع ایده‌آلی، از تجمع و تراکم خطوطی که خودصفت مشخصه واقعیت تاریخی محسوب می‌شود، تشکیل می‌گردد.

واقعیت تاریخی منحصر به فرد خواهد بود (غیر قابل تکرار) و تجربیدی. آنچنان که در علم فیزیک به کشف قانون می‌انجامد، در مورد آنان به کار نمی‌آید. انواع ایده‌آل، ابزارهایی منطقی خواهند بود و در جریان تحقیق که هدف عائی آن فهم مسائل خواهد بود، معیاد می‌افتند. گذشته از این، "ماکس وبر" عمل اجتماعی را با توجه به بعد عقلانی آن به انواع گوناگون تقسیم می‌نماید. بدین ترتیب این جامعه‌شناس، تفاوت بین جامعه‌شناسی و علوم طبیعی را مشخص نموده و مخصوصاً "تاکیدی" نماید که ماورای انسانی را نمی‌توان با مفاهیمی نظیر قانون علیت، آنچنان که در علوم طبیعی مطرح است، تبیین کرد. از جانب دیگر، وی بر جنبه "سازنده تفکر اجتماعی و توجه" خاص این علم به تبیین منطقی و عقلانی پدیده‌ها تاکید می‌نماید. علاوه بر این، باید کوشش وی را در جهت شناخت عمل اجتماعی قدرتها که خود موجبات عطف توجه دیگران را به عوامل فعال و سازنده در زندگی اجتماعی فراهم آورد.

"ماکس شلر" (۱۹۲۸ - ۱۸۷۹) مانند بسیاری دیگر نظیر "ویرکانند" (Vierkandt)، "لیت" (Litt) و "ژیژر" (Geiger) در جامعه‌شناسی دیدگاه تازه‌ای موسوم به پدیدارشناسی (Phenomenologie) گشود که به جستجوی معنای اساسی واقعیت اجتماعی منتهی گردید.

از این دیدگاه، جامعه‌شناسی جوانب خاصه انسانی پدیده‌های اجتماعی را مورد امان نظر قرار می‌دهد. از جانب دیگر، "ماکس شلر"، پس از توجه به "مارکسیسم" و انتقاد از آن به مفهوم ایدئولوژی که "منهیم" (Mannheim) قبلاً به تشریح آن پرداخته بود معنائی عمیق تر بخشید. "ماکس شلر"، جامعه‌شناسی معرفتی را نیز حرکتی تازه بخشید و این رشته از علم جامعه‌شناسی خود سرآغاز مباحث اجتماعی گردید و بدگاههای جامعه‌شناسی نیز از آن قوام بیشتری یافت.

"پارتو" (۱۹۲۳ - ۱۸۴۸) استبداد اقتصاد روی آورد و سپس متوجه نواقص اقتصاد محض گردیده، بسوی جامعه‌شناسی روی نمود. او جامعه‌شناسی را به معنای دانشی در نظر می‌آورد که به شناخت عمل انسان می‌پردازد. وی نظریه "خود را مبنی بر تفاوت بین اعمال منطقی (عملی که در آن عامل آگاهانه بین هدف و وسایل وصول بدان، رابطه‌ای منطقی برقرار می‌سازد و پیوندی بین هدف و وسیله وجود دارد) و اعمال غیر منطقی (که صفات اعمال منطقی را ندارند، مخصوصاً "زمانیکه در آنان بین هدف ذهنی و هدف عینی تطابق وجود ندارد، لیک این اعمال ضرورتاً "منطق ناپذیر نیستند)

تفاوت قائل می‌شود. بنظر وی، جامعه‌شناس باید بمنظور فهم پدیده‌های اجتماعی، به جستجوی انگیزه‌های واقعی و ظاهری عمل اجتماعی غیرمنطقی بپردازد. او این انگیزه‌ها را تحلیل نموده، آنها را به انواعی گوناگون تقسیم می‌نماید. عناصر ثابت که "پارتو" آنها را "رسوبات" (Residu) می‌خواند (که یادآور نظریه "غرایز است) و مشتقات (یعنی جلوه‌های گوناگون رسوبات). تاثیر نظرات "پارتو" قابل توجه است و این تاثیر در جامعه‌شناسی تحلیلی در برابر تاثیرات ناشی از افکار "ویر" تجلی نموده است.

"برانیسلاو مالینوسکی" (۱۹۴۲-۱۸۸۴) اهل لهستان بود، و سپس به تدریس جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در انگلستان و آمریکا پرداخت. از خلال آثار بعضی از شاگردانش نظیر "رادکلیف براون" در جریانهای فکری جدید در این رشته از علوم انسانی موثر افتاد. او را بنیانگذار مکتبی می‌دانند که اصطلاحاً "فونکسیونالیسم" خوانده می‌شود. وی مولف کتب بدیعی در مورد قبایل ملانزی است. او نیز همچون "مارسل موس" در جستجوی شناخت پدیده‌های اجتماعی تام بود که به احراز دیدی کلی در مورد پدیده‌های فرهنگی می‌انجامد. نظریه توحصی که به نظامها مبذول می‌داشت کوشش خود را در جهت شناخت عواملی که موجبات پیوند متقابل نظامهای فرهنگی را پدید می‌آورند، مبذول داشت. او در نهایت به این نتیجه رسید که تبیین غائی پدیده‌های اجتماعی باید با توجه به وظیفه فرهنگی که در آن قرار گرفته‌اند، صورت گیرد. اعمال جمعی و نهادها در نظر گرفتن این وظیفه کلی قابل فهم می‌گردند. چون همگی در جهت قوام جامعه و تحقق این وظیفه کلی بکار گرفته شده‌اند.

نظامهای اجتماعی، بزعم "مالینوسکی"، مجموعه‌هایی آلی هستند که از احتیاجات انسانی منشاء می‌گیرند. وظیفه از خلال پیوند دائمی بین عناصر یک واقعیت اجتماعی با محتوا و معنای آن تجلی می‌نماید. "فونکسیونالیسم فرهنگی"، بی شک به جستجوی غایتی بر هر امر منتهی شده است، اما این طرز فکر، موجبات مشخص ساختن تفاوت‌های بین علوم انسانی و طبیعی را فراهم آورده است. از خلال این چند مثال می‌بینیم که تاریخ جامعه‌شناسی تا چه حد شاگردان آنرا مفید می‌افتد، زیرا در واقع، تمامی این علم با گذشته آن در ارتباط است.

#### مکاتب و مسیرهای جامعه‌شناسی معاصر

جامعه‌شناس معاصر، بطور کلی با تفکرات و بینشهای گوناگون مواجه است. این تعدد و گوناگونی امروزه از قرون پیشین بیشتر بچشم می‌خورد، تا آنجا که ممکن است تصور رود که جامعه‌شناسی دستخوش بحران ناشی از رشد و پیشرفت است، زیرا عقاید و نظرات



متعارضی بین صاحب‌نظران آن دیده می‌شود. با اینهمه، احتمال می‌رود که تعدد نظرات در نهایت به غنای تدریجی و عمق بیشتر هر یک از آنان منتهی شود و واقعیت اجتماعی در تمامی وجوهش از این طریق شناخته خواهد شد. در شرایط کنونی، سختی می‌توان جامعه‌شناسی را صرفاً "از دیدگاه چند مکتب دریافت، مضافاً بر اینکه، چنین مکانیسمی رسماً وجود ندارند و صرفاً" تجانس فکری چند مولف بایکدیگر نام مکتب بخود پذیرفته است و این تجانس هیچگاه بقیمت اضمحلال استقلال و شخصیت هر یک از آنان نیست. در بعضی از موارد، حتی باید بجای صحبت از مکتب، سخن از جریانات فکری راند که گاهی از مولفی تاثیر گرفته و روش و یا نینش خاصی را بوجود آورده است. در این مقاله کوشش خواهیم کرد بذکر یکی از جریان‌های مهم فکری بپردازیم.

### جامعه‌شناسی کمی و جامعه‌شناسی تجربی

در آمریکا، تحقیقاتی گوناگون بمنظور شناخت روابط پدیده‌های اجتماعی بصورتی عینی و تجربی همچون علوم طبیعی بعمل آمده است. از طرفی مکتب اصالت رفتار (Behaviorism) یا مطالعات "مید" (H. Mead) (مخصوصاً در کتابش روان، خود، جامعه) رونق گرفت و از طرف دیگر، مطالعات مربوط به مردم‌نگاری یا توصیف دقیقی که از پدیده‌های اجتماعی ارائه داد، این جهت اندیشه را تقویت نمود. نظریه اینکرفتارهای جمعی را قطعاً نمی‌توان با تعبیه قانون و یا هر ابزار خاص علوم طبیعی سنجید، علم آمار به کمک طلبیده شد. کوشش گردید تا با قبول آزادی فرد در روابط اجتماعی به تحلیل علی رفتارهای جمعی خواه کلی و یا جزئی با استفاده از ابزار منطقی نظیر آمار پرداخته شود و این راه مورد تجویز عقل سلیم نیز بود، زیرا بعنوان مثال، می‌پذیریم که روزهای آخر هفته راهبا شلوغ‌ترند، لیکن چنین امری مانع قبول آزادی افراد در خروج از خانه و یا ماندن در آن در این روزها نیست، پس مسئله صرفاً "احتمالی و آماریست، از جانب دیگر، روانشناسی اجتماعی، ما را در شناخت گروههای کوچک کمک نمود و این امر، خود به تقویت جهات عینی و کمی تحلیلهای ما از رفتارهای جمعی انجامید. بینشهای کمی و تجربی در جامعه‌شناسی بعنوان علمی که در صدد تمهید ابزارهایی دقیق همچون علوم طبیعی است ما را دست کم در قلمرو آمار و اعداد بزرگ بسوی کشف نظمی مستمر در وقوع یا عدم وقوع پدیده‌ها گشایند که خود متضمن قبول اصل موجبیت در علم انسان است. بدینقرار و از این دیدگاه، قوانین علی پذیرفته می‌شوند، همچنانکه همبستگیهای فونکسیونل مقبول می‌افتند. ترجمه پدیده‌های اجتماعی به زبان آمار و ریاضیات موجبات مقایسه بهتر داده‌ها را فراهم می‌آورد، ابعاد ذهنی اسناد داده‌ها را از

بین می‌برد و متغیرها را این‌حوی مشخص می‌سازد که روابط بین آنان بدقت سنجیده می‌شود. جامعه‌شناسی تجربی در عمل کوششهایش را در دو جهت متمرکز می‌سازد: باید ابزارهای ریاضی و آماری را با پدیده، خاص مورد مطالعه منطبق ساخت و چنین هدفی مستلزم تمهید سلسله روشهای دقیق است که بدون آن هیچ نوع پیشرفتی در این جهت حاصل نخواهد شد. در مورد روشها باید به کتاب "لازار سفلد" (Lazarsfeld) یعنی "فلسفه علوم اجتماعی" اشاره کرد. کتاب "ریبون بودن" (R. Boudon) تحت عنوان "روشهای جامعه‌شناسی" و همچنین کتاب دیگرش بنام "تحلیل ریاضی امور اجتماعی" نیز در این مورد حائز اهمیت است.

از جانب دیگر، جامعه‌شناسی نمی‌تواند پیشرفت نماید مگر زمانی که داده‌های آماری دقیق و متعدد فراهم آیند و محققین این داده‌ها را در باهگانی‌های سازمانها و موسسات گوناگون می‌یابند. بعضی از این اسناد براحتی ارائه نمی‌شوند، اما بعضی دیگر، سهولت در دسترس قرار می‌گیرند. تاکنون امکان دستیابی به این داده‌ها موجدات گسترش تحقیقات تجربی را فراهم آورده است، همچنانکه چگونگی این امکانات گزینش موضوعات تحقیق رانیز تحت تاثیر قرار داده است. بعنوان مثال، باید پذیرفت که اگر جامعه‌شناسی قضائی پیشرفت متناسبی داشته است، بدین علت بوده است که دستیابی محققین به آمار مربوط به خودکشی و کز رفتاری ساده تر بوده است و "دورکیم" بهمین جهت اولین الگوهای چنین بررسی‌هایی را در کتابش موسوم به "خودکشی" ارائه داده است. از مدت‌ها قبل سخن از ایجاد بانک داده‌ها است که در آن اطلاعات اجتماعی تمرکز یافته و سهولت در اختیار هر محقق قرار گیرد. در پاریس، "مرکز مطالعات جامعه‌شناسی" در این جهت کامیابی برداشته است. از جانب دیگر، مذاکراتی در جریان است تا "موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی" نیز داده‌های وسیع خود را سهولت در اختیار محققین قرار دهد. جامعه‌شناسی تجربی از نظر خواهی‌های متعدد دنیز که توسط سازمانهای گوناگون خصوصی I.F.O.P. و یا S.O.F.R.E.S. در فرانسه صورت می‌گیرد و بعضی از نتایج آنها بعد از اجازه از دستگاههای ذینفع منتشر می‌شوند، استفاده نموده است.

داده‌های حاصل از نظر خواهیها و یا بررسی رفتارها، در واقع اسناد و مدارک عینی و قابل دستیابی برای محقق می‌باشند.

پرسشنامه‌ها که موجب ثبت عقاید نیز می‌گردند، آغاز مناسبی در بررسیهای مربوط به حالات روانی هستند، لیک عینیت محض و مطلق در شناخت مستقیم پدیده‌های رفتاری (مانند خودکشی، تمایل مصرف و...) را ندارند، با اینهمه مطالعه رفتار با استفاده از پرسشنامه، یکی از مظاهر جامعه‌شناسی تجربی است.

در اختیار داشتن اسناد و مدارک دقیق و مستند، داده‌های بدقت حاصل شده، و ابزار آماری و ریاضی دقیق و حساس، هیچیک بخودی خود کافی نیست. باید علاوه بر این، مسائل را بدقت طرح کرد، فرضیه‌ها را بدستی عنوان نمود، شاخص‌ها، قوالب و معیارها را بدقت برگزید و تمامی این کوششها زمانی با موفقیت همراه است که محقق دارای قدرت ابداع و استعدادی شخصی باشد که هیچگاه معابر با عینیت نیست، اما از پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی حکایت دارد.

جامعه‌شناسی کمی و تجربی در آمریکا کمی قبل از جنگ دوم جهانی و در دوران بیست ساله بعد از آن، جهشی چشمگیریافت. اثر برجسته‌ای که نمونه‌عالی چنین مطالعاتی است، بنام "سرباز آمریکائی" خوانده می‌شود. این تحقیق که در مورد رفتار، عقاید و حالات روانی سربازان آمریکائی در زمان جنگ به نگارش درآمد، حاوی اطلاعاتی وسیع است و از دیدگاه روش‌شناسی نیز حائز اهمیت می‌باشد.

زمانی بعد از آن، جامعه‌شناسان آمریکا را ساده‌گرا خواندند. اعتقاد عمومی بر این بود که در هر تحقیق پرسشنامه‌ای تهیه می‌نمایند، آنرا بر روی جمعیت نمونه مشخصی اعمال می‌کنند و بعد از آن با استفاده از روشهای آماری و ریاضی، داده‌های حاصل از این بررسیها را بدون برخورداری از مجموعه‌ای نظری منتشر می‌سازند.

منظر می‌رسد که در انبوه چنین مطالعاتی، جامعه‌شناس با چند نسخه از پیش ساخته با تمامی پدیده‌ها روبرو می‌شود، آنرا مثلثه می‌نماید و سپس اموری بدیهی را بر زبان ریاضی بیان می‌دارد و در نهایت چنین می‌پندارد که همه چیز را بطور دقیق و عینی سنجیده و شناخته است.

"پیتریم سوروکین" که خود در چند اثر به جامعه‌شناسی تجربی رو می‌آورد انتقادی سخت بر افراط جامعه‌شناسان آمریکائی در این راه به نگارش درآورده است و چنین افراطهایی را در آمریکا "جنون کمیت و آزمون" خوانده است ("سوروکین"، تمایلات و سرخوردگی‌های جامعه‌شناسی در آمریکا).

با اینهمه، باید پذیرفت که تحقیقات تجربی و کمی موجبات پیشرفت جامعه‌شناسی را فراهم می‌آوردند و آنرا از مباحث انتزاعی و نظری‌رهایی می‌بخشند. لیک این پیشرفت بی شک خواهد بود، و صرفاً "جهاتی از زندگی اجتماعی را در بر خواهد گرفت که پاسخگوی تمامی کوششهای جامعه‌شناسان نیست. در واقع، همان طوری که "گروپچ" "مرتن" بخوبی نشان داده‌اند، تحقیق تجربی، هر چند نمی‌تواند زندگی اجتماعی را در همه وجوهش بطور عینی بسنجد، اما آغازی مطلوب بر استدلال نظری است و با تمهید مبانی عینی وسیله‌ای مقبول در جهت سنجش نظریه‌ها فراهم می‌سازد.

- ۱- این نوشته برداشتی است از کتاب "Guide de l'Etudiant en Sociologie" اثر J. Cazeneuve/F. Balle/A. Akoun از انتشارات P.U.F سال ۱۹۷۱ در پاریس، صفحات ۲۲-۷.
- ۲- M. Weber جامعه‌شناس و اقتصاد دان معروف آلمانی (۱۹۲۰-۱۸۶۴) و از بنیان مکتب "تفهیمی" در شناخت پدیده‌های اجتماعی.
- ۳- تاریخ شناس عرب (۱۴۰۶-۱۳۳۲) مولف اثری بزرگ در تاریخ، حاوی مقدمه‌ای طولانی که افکار فلسفی - اجتماعی در آن انعکاس یافته است. همین مقدمه که بعدها بنام "مقدمه" این خلدون" بچاپ رسید حاوی اندیشه‌هایی چنان بدیع بود که نویسنده را در زمره "بنیان گزاران جامعه شناسی به جهانیان معرفی کرد.
- ۴- N. Machiavel سیاستمدار و تاریخ شناس ایتالیایی (۱۵۲۷-۱۴۶۹) مولف آثاری جالب که از بین آنان "هنر جنگ" و "شاهزاده" را باید نام برد. ماکیاول بجهت علاقه سرشارش به ایتالیا و آینده آن، چنان غرق در تحقق هدفها و امیالش در مورد این کشور می‌گردد که گاه هر روشی را در وصول به این هدفها تجویز می‌نماید. از بنروست که او و بطور کلی مکتب ماکیاولیسم را عاری از تقوی و اخلاق می‌خوانند.
- ۵- T. Hobbes فیلسوف انگلیسی (۱۶۷۹-۱۵۸۸).
- ۶- J. Locke فیلسوف انگلیسی (۱۷۰۴-۱۶۳۲) از بنیان مکتب اصالت تجربه (Empirisme)
- ۷- J. J. Rousseau از متفکران بزرگ قرن ۱۸ (۱۷۷۸-۱۷۱۲). بزعم روسو انسان پاک و منزه تولد یافته و این محیط اجتماعی است که وی را فاسد می‌سازد. بدینسان روسو بازگشت انسان را به طبیعت پیشنهاد می‌نماید. وی مولف آثاری ارزشمند است که از بین آنان "قرارداد اجتماعی"، "امیل"، "اعترافات"، "تفکرات انسانی تنها" بفراسی ترجمه شده‌اند.
- ۸- C. Montesquieu از بزرگان تفکر اجتماعی قرن هیجدهم است (۱۷۵۵-۱۶۸۹). وی مولف آثاری جالب است که بعضی از آنان بدین قرارند: "روح القوانین"، "ملاحظات در باب علل عظمت و انحطاط رومیان" و "نامه‌های ایرانی".
- ۹- C. Saint-Simon (۱۸۲۵-۱۷۶۰) از متفکران قرن هیجدهم و نوزدهم و بنیانگذار مکتب سن سیمونسم.
- ۱۰- E. Durkheim استاد بزرگ جامعه‌شناسی و بنیانگذار مکتبی بدین نام در فرانسه با اشتها جهانی، در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۷-۱۸۵۸). امیل دورکیم صاحب

- تالیفاتی بسیار است که از آن جمله "تقسیم کار اجتماعی"، "اشکال اساسی حیات مذهبی"، "خودکشی" و "فوائد روش جامعه شناسی" است که بفارسی برگردانیده شده است.
- ۱۱- A. de Tocqueville (۱۸۵۹-۱۸۰۵) نویسنده و سیاستمدار فرانسوی و نویسنده، کتبی از جمله "دموکراسی در آمریکا" و در باب رژیم ماقبل انقلاب و انقلاب.
- ۱۲- H. Spencer فیلسوف انگلیسی و از بنیانگذاران مکتب تطور. بنظر او شباهتی کامل بین جوامع انسانی و حیوانی وجود دارد و باز بزعم وی حرکت حیات از سادگی به پیچیدگی و کثرت صورت وقوع می یابد.
- ۱۳- V. Pareto (۱۹۲۳-۱۸۴۸) اقتصاددان و جامعه شناس ایتالیایی و صاحب کتابی بزرگ تحت عنوان "کتاب جامعه شناسی".

ترجمه و اقتباس: باقر ساروخانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی